

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۳۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳ آبان ۱۳۸۵، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶

سر دبیر: عبدال کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

اتحادیه میهنی و بحران حزب دمکرات کردستان ایران



عبدال کلپریان

موضع گیری جناح های حزب دمکرات کردستان ایران و ضمن هشدار به جناح حاکم در این حزب، از رهبری این حزب قویا خواسته است که از مرکز اطلاع رسانی و اتحادیه میهنی و مردم کردستان عراق معذرت خواهی کند.

صفحه ۲

سطح، پای وزارت اطلاعات رژیم و اطلاعات اتحادیه میهنی و دستگاه اطلاعاتی حزب دمکرات در يك جدال سه جانبه قرار گرفته اند، که بحران حزب دمکرات کردستان ایران را وارد فاز دیگری کرده است.

بنا بر اطلاعاتیه دفتر مرکزی اطلاع رسانی اتحادیه میهنی کردستان عراق، چنین پیداست که جناح حزب حاکم در حزب دمکرات کردستان ایران، اتحادیه میهنی را به پشتیبانی از جناح مقابل متهم کرده است.

دفتر مرکزی اطلاع رسانی اتحادیه میهنی کردستان عراق، ضمن توضیحاتی در رابطه با

در نوشته قبل مندرج در ایسکرا شماره ۳۳۰ تحت عنوان (اختلافات در حزب دمکرات کردستان ایران از کجا مایه می گیرد؟) مختصراً به عوامل تاریخی و اجتماعی این اختلافات اشاره کردم که با رادیکالیزه شدن و پلاریزه شدن مبارزات مردم و کارگران، حزب دمکرات کردستان ایران دارد بیشتر حاشیه ای می شود و اینکه اساس بی ربطی این حزب به منافع مردم در کردستان را، باید از این زاویه نگریست، اشاره کردم.

در این نوشته به علل سیاسی این اختلافات در سطوح کنکرت تری اشاره میکنم و اینکه در این

تصمیم گرفته است تاریخ سیاه این جریان را از چشم مردم پنهان کند. رقبای گذشته این جریان که ۲۷ سال قبل موافق این بند بوده اند از زبان بازماندگان آن دوره باید یکی بعد از دیگری بیابند و اعلام کنند سیاست قبلیشان در قبال قیاده موقت غلط بوده است.

حزب دمکرات کردستان ایران همان اوایل بعد از تصویب این قطعنامه اعلام کرد که بند ۸ آنرا قبول ندارد. صلاح مهتدی بعد از ۲۷ سال میخواست این رسالت را به سرانجام برساند که حزب بارزانی مدافع مردم کرد است و نباید آن قطعنامه خواهان اخراجش از ایران میشد. بعضی از بچه های مودب کومه له ای هم که قبلاً علیه قیاده موقت نق زده اند در جواب مهتدی نوشته اند پیشنهاد دهنده این بند که فواد مصطفی سلطانی بوده است اگر زنده بود طور دیگری حرف میزد و احتمالاً خواهان افشا و اخراج قیاده موقت نمیشد. زیرا از منظر این

صفحه ۳

ماده هشتم قطعنامه مهباد و جدال ناسیونالیستهای کرد



محمد آسنگران

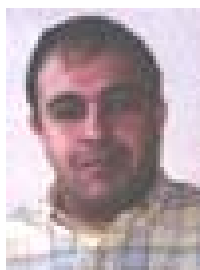
احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد طبق سنت دیرینه و نهادینه خود همیشه به نرخ روز نان خورده اند. این بار بعد از ۲۷ سال داستان قطعنامه ۸ ماده ای مهباد و بند ۸ آن مورد مشاجره این جریانات قرار گرفته است. داستان از این قرار است که بند ۸ آن قطعنامه خواهان خروج نیروهای "قیاده موقت" یا همان حزب بارزانی فعلی از ایران شده بود. این بسند اکنسون وصال گردن ناسیونالیستهای کرد شده است و باید فکری به حال آن بکنند. زیرا بارزانی امروز در قدرت است و

یادداشتی درباره نوشتن تجارب اعتراض کارگری

کارگری بسیار آشناست، ملموس کرد. آن را به خانه فعالین کارگری برد و اکنون همه میتوانند از این نام تصویری هم داشته باشند. مدتی پیش نیز جوانمیر مرادی گزارشی تحت عنوان "تجربه ای موفق از اعتصاب کارگران پارس کیهان" در سایت "شورا" درج کرد که در نوع خود کاری بسیار جالب و بدیع بود. جوانمیر مرادی يك تجربه موفق را به کارگران و فعالین کارگری معرفی میکند که همه از آن درس بگیرند.

صفحه ۴

این نساجی نمونه خوبی از انتقال تجارب کارگری است که باید همه گیر شود. این کار هادی احمدی، "گزارش کوتاهی از وضعیت کارخانه نساجی شاهو در سنندج" گرچه خودش هم میگوید گزارش کوتاهی است، اما بسیار آموزنده است، به این دلیل که نساجی شاهو در چند سال گذشته يك مرکز مهم مبارزه کارگری بوده که توانسته دولت سرمایه داران را به زانو در آورد. گزارش هادی احمدی، نساجی شاهو را، نامی که برای فعالین



ناصر اصغری

گزارش هادی احمدی، کارگر نساجی شاهو از وضعیت و مبارزه

گزارش کوتاهی از وضعیت کارخانه نساجی شاهو در سنندج

صفحه ۴

هادی احمدی



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

اتحادیه میهنی و بحران حزب دمکرات . . .

مرکز اطلاع رسانی اتحادیه میهنی در بخشی از اطلاعیه اش چنین می گوید:

"سایت Kurdistan tv در چند روز اخیر خبری درباره جناح اپوزیسیون در حزب دمکرات کوردستان ایران که ملا عبدالله حسن زاده آن را رهبری می کند نوشته است که این جناح به پشتیبانی نیروهای اتحادیه میهنی کوردستان می خواهد جناح دیگر حزب دمکرات را از کویه "بیرون کند، که بعد از سوی ملا عبدالله حسن زاده این خبر تکذیب شد و این در حالی بود که این خبر منبعی نداشت و سپس سایت مذکور خبر را از سایت خود حذف نمود. به نظر ما سایت مذکور با یک روحیه برادری و دوستانه با روابط مستحکم اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کوردستان برخورد نکرده است اگر نه چرا خبری را که منبع آن مشخص نیست پخش می نماید."

معنی روشن این مسئله این است که جناح هجری، اتحادیه میهنی را متهم به پشتیبانی از جناح عبدالله حسن زاده کرده است و گویا خود حسن زاده آنرا تکذیب کرده و این اظهارات نیز بلافاصله از روی سایت کوردستان تی وی برداشته می شود. صحت و سقم چنین اظهاریه ای از جانب حزب دمکرات و یا هر کدام از جناح هایش، هر چه باشد نمی تواند اظهارات و یا ادعایی دلخواهی باشد. منافع و مناسبات اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی در معادلات سیاسی منطقه نیز هر وقت ایجاب کند می تواند حزب دمکرات را همانند تاریخ گذشته تا امروزش را به بازی بگیرد. سر انجام چنین جریاناتی در معادلات سیاسی همین است. در بخش دیگری از اطلاعیه اتحادیه میهنی آمده است:

"در شماره ۴۱ روزنامه "ثاوینه" مورخ ۱۷، ۱۰، ۲۰۰۶، مسئول دستگاه امنیتی حزب دمکرات کوردستان (جناح مصطفی هجری) در یک دیدار مطبوعاتی یک سری اتهامات را چه به شیوه

مستقیم و غیره مستقیم به گردن احزاب کوردستان عراق انداخته و احزاب سیاسی کوردستان را متهم به همکاری با اداره اطلاعات ایران در سطح پایین و بالا با جمهوری اسلامی کرده است و تا جایی که شایعه ارتباط برخی از مسئولان احزاب کوردستان عراق در قبال ترور برخی از اشخاص اپوزیسیون ایرانی در کوردستان ابراز می کند و همچنین وی خبر از وجود ۵۰ الی ۶۰ خانه مربوط به اطلاعات در سلیمانیه می دهد و همچنین شرکتهای ایرانی را متهم به جاسوسی در کوردستان می کند و جدا از این هم اطلاع رسانی کوردستان را به همکاری با اطلاعات ایران متهم می کند."

چنانکه میبینیم، بنا به اطلاعیه اتحادیه میهنی، مسئول دستگاه امنیتی حزب دمکرات (جناح مصطفی هجری) احزاب کوردستان عراق را متهم می کند که با اداره اطلاعات ایران در سطح بالا و پایین و در رابطه با ترور برخی از اشخاص اپوزیسیون ایرانی در کوردستان، نقش ایفا می کند. همین جناح خاطر نشان می سازد که وجود ۵۰ الی ۶۰ خانه مربوط به اطلاعات رژیم و شرکتهای ایرانی مشغول جاسوسی هستند و اطلاع رسانی اتحادیه میهنی را به همکاری با اطلاعات ایران متهم می کند. اطلاعیه مرکز اطلاعات اتحادیه میهنی، نکاتی دیگری را در بر دارد که در راستای اظهارات فوق است.

سالهاست که حزب دمکرات کوردستان ایران از ارتباط تنگاتنگ اطلاعات رژیم با اتحادیه میهنی باخبر است و فراتر از آن نیز اینکه، بارها اتحادیه میهنی بعنوان واسطه و میانجیگر مابین اطلاعات رژیم و حزب دمکرات کوردستان ایران به ایفای نقش پرداخته است. ترور افراد و فعالین اپوزیسیون نیز پدیده جدیدی نیست و جمهوری اسلامی سالهاست که با همکاری احزاب حاکم در کوردستان عراق این جنایات را ادامه داده است. چرا که از مقطع گمارده شدن

کافیست نگاهی به سیاستها و عملکرد احزاب حاکم در کوردستان عراق بیندازیم.

احزاب ناسیونالیست کرد در عراق که از بالاترین حمایتهای مادی سیاسی و تسلیحاتی و غیره، آمریکا برخوردارند، نه تنها در کوردستان بلکه در سطح سراسری در عراق به مقام و منزلتی رسیده اند. سالهاست که احزاب ناسیونالیست کوردستان عراق از فقر و بی حقوقی مردم گرفته تا تیر اندازی به طرف کارگران معترض برای دریافت حقوقهایشان، از ترور و کشتار زنان گرفته تا ایجاد وسیع ترین فاصله طبقاتی در کوردستان، از ترور مخالفین گرفته تا حمله آشکار به احزاب سیاسی، آن چیزی است که برای مردم کوردستان به ارمغان آورده اند.

استثمار و تحمیل فقر به بخش عظیم مردم و مزدبگیران در جامعه و سهم شدن در قدرت، آرزوی دیرینه ناسیونالیستهای کرد بود که در کوردستان عراق به آن نایل آمدند. برای حفاظت از این مناسبات نیز، دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی و نیروی نظامی و پلیس سرکوبگر بر جامعه حکم می رانند. اینها تنها گوشه هایی از سیاست و عملکرد احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه است که (حدکا) در آرزوی رسیدن به آن در کوردستان ایران لحظه شماری می کند.

(حدکا) بعنوان نماینده بورژوازی کرد از هم اکنون که در اپوزیسیون قرار دارد، دستگاه اطلاعاتی و کنترل بر مخالفین خانوادگی در درون حزب خود را دایره نوده است. این حزب برای برقراری و سازماندهی یک حاکمیت خیالی در کوردستان ایران، همان مناسباتی را در دستور دارد که احزاب حاکم در کوردستان عراق دایره کرده اند.

در شرایط کنونی بی افقی، بحران و بن بست احزاب ناسیونالیسم کرد اساساً نتیجه شکست سیاستهای دولت آمریکا است که به این آرزوها جامه عمل نپوشانیده است. به همین دلیل به جان همیگر افتاده اند و بحران سیاسی و بی افقی خود را میخوانند به مخالفین خود نسبت دهند. در چنین وضعی است که هر کدام از جناح ها و بنا به اقرار خودشان و تایید اتحادیه

اتحادیه میهنی و احزاب ناسیونالیست و جریانات مرتجع محلی توسط آمریکا بر کوردستان عراق، اتحادیه میهنی در ترور و دستگیری افراد اپوزیسیون و مخالف جمهوری اسلامی و همکاری با اطلاعات رژیم علیه اپوزیسیون ایرانی، کوتاهی نکرده است. وجود منازل و مراکز اطلاعاتی رژیم در سلیمانیه، در لوی اتیکت "شرکتهای" نیز به قدمت حاکمیت این احزاب در کوردستان عراق است. حال چه شده که حزب دمکرات این مسئله را اکنون رسماً اعلام می کند. این خود موضوعی است که باید بدان پرداخت.

بر بستر این اوضاع و احوال سیاسی منطقه، (حدکا) بد شانس تر از هر زمانی تا کنون سرش بی کلاه مانده است. جدال جناحهای درون حزب دمکرات روز به روز سرعت و وسعت بیشتری میگیرد. هر یک دیگری را به بی کفایتی در رسیدن به آرزوهای دیرینه ناسیونالیسم کرد متهم می کنند. (حدکا) هم از نظر اجتماعی بی افق است و هم از نظر سیاسی و دست یافتن به راه حلی برای برون رفت از این وضع سرگردان است.

(حدکا) در آرزوی بقدرت رسیدن در کوردستان ایران، راه های مختلف را آزموده و تجربه کرده است. لاس زدهای پی در پی با رژیم اسلامی آشکار تر از آن است که به مددک استناد کنیم. رهبران این حزب چند بار در جریان مذاکرات و تلاش برای سازش با جمهوری اسلامی با میانجیگری اتحادیه میهنی و تلاشهای مستقیم رهبری این حزب برای رسیدن به توافقی با رژیم اسلامی، همگی آن افقی است که (حدکا) بدان امید بسته بود. در این راه هر بار دست از پا درازتر بعد از تحمل ضرباتی عقب نشسته است.

از مقطع سرنگونی رژیم بعث در عراق که احزاب ناسیونالیست کرد در عراق میدان بیشتری برای مانور کسب کردند، (حدکا) مرتب خواب این رویا را در کوردستان ایران برای خود می بیند. برای اینکه تصویری از آرزوهای (حدکا) داشته باشیم،

میهنی، با داشتن دستگاه اطلاعاتی شان، در صدد طرح ترور همیگر هستند.

اینها سنتهای واقعی احزاب ناسیونالیست کرد است و (حدکا) تلاش میکند تا بلکه از این طریق بتواند در زیر سایه سیاستهای شکست خورده آمریکا در منطقه، به نان و نوایی برسد. دستگاه اطلاعاتی اتحادیه میهنی در قسمتی دیگری از اطلاعیه اش، ضمن تاکید بر همکاری وزارت اطلاعات خویش با رژیم اسلامی، رسماً موجودیت دستگاه اطلاعاتی (حدکا) را نیز اعلام میکند.

"همچنین اظهارات مسئول جناح آقای هجری در (حدکا) بی پایه و اساس است زیرا روابط حکومت اقلیم کوردستان با کشورهای همسایه مشخص و آشکار است و سیاست رهبران سیاسی کوردستان که در راستای تقویت منافع کوردستان عراق است این روابط را تقویت می بخشد و این روابط رسمی است و این بدان معنا نیست که سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی این کشورها به شیوه مخفیانه و سری در عراق و کوردستان تلاش می کنند و همچون که تازه برادران (حدکا) به شیوه رسمی اعلام میکنند که سازمان اطلاعاتی دارند و در کوردستان به شیوه غیره رسمی کار میکنند.

در خاتمه به نظر ما این گونه چزند و پرند هیچ گونه خدمتی به (حدکا) و بحران داخلی آن نمی کند و لازم است حزب مذکور یا جناح مذکور اظهارات این مسئول را نامستولانه بشناسد و در این باره از حکومت اقلیم کوردستان و احزاب سیاسی و اتحادیه میهنی کوردستان و مردم و اطلاع رسانی کوردستان معذرت خواهی و طلب پوزش نماید."

با توجه به نکات فوق، قابل درک است که (حدکا) به چه مقصده ای دچار شده است. اطلاعیه مرکز اطلاع رسانی اتحادیه میهنی، ضمن هشدار به جناح مصطفی هجری و چزند و پرند خواندن اظهاراتشان در سایت کوردستان تی وی از موضع صاحبخانه، اعلام می کند که از

از صفحه ۲

اتحادیه میهنی و بحران حزب دمکرات . . .

دستگاه اطلاعاتی و اتحادیه میهنی عذر خواهی کنند و سر جای خود بنشینند. چرا که اتحادیه میهنی این توان و اختیار را دارد که آنگونه که خود صلاح بداند عمل خواهد کرد. (حدکا) بد جوری گرفتار شده است. حزبی بی ربط به منافع اجتماعی مردم معترض در خاک کردستان، حزبی مستقر در خاک عراق که اجازه هیچگونه حرکتی در مغایرت با منافع اتحادیه میهنی بارزانی و رژیم اسلامی را ندارد و تنها به وسیله ای برای بند و بست های سیاسی در معادلات منطقه ای تبدیل شده است. حزبی که بنا به

دلالتی که پیشتر اشاره شد در درون خود دچار بحران و سرگردانی است، حزبی که حاکمان هم مسلکشان در کردستان عراق، اظهاراتشان را چرند و پرند ارزیابی میکنند، ترجمه چنین وضعی از حزب دمکرات یعنی استیصال و درماندگی ناسیونالیسم کرد، یعنی به آخر خط رسیدن افق بورژوازی کرد در استفاده از شکافهای منطقه ای و یعنی بی ربط و بیگانه با منافع و سرنوشت مردم و کارگران، در اعتراضات روزمرشان برای ایجاد یک زندگی بهتر و انسانی. (حدکا) حتما بخوبی لمس

میکند که جامعه کردستان ایران مدتهاست که با دخالت و تاثیر گذاری و سازماندهی اعتراضات اجتماعی مردم توسط حزب کمونیست کارگری، سیمایی طبقاتی، چپ و رادیکال بخود گرفته است. روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و روز جهانی کودک، خواست و توقعات مدرن و انسانی زنان و جوانان، آرمان و آرزوهای انسانی مردم در کردستان، اعتراضات هر روزه و رادیکال مردم در تناقض کامل با آرزوهای ارتجاعی و عقب مانده ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات قرار دارد. این فضا در

کردستان، امروز دیگر به بزرگترین معطل رژیم و احزاب ناسیونالیست کرد تبدیل شده است. این سیمایی اغلب شهرهای دیگر کشور است. اما (حدکا) باید تا کنون این را پذیرفته باشد که شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، سالهاست که اجازه کپی کردن طالبانی - بارزانی را از احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران سلب کرده است. دقیقاً به دلیل همین تعادل قوا و شکست سیاستهای آمریکا در منطقه است که حزب دمکرات کردستان ایران به چنین بحرانی افتاده است. فاکتورهای اساسی که احزاب ناسیونالیست کرد و از جمله حدکا را

به تنگنا انداخته است روز به روز قویتر و کارتر در جامعه نقش ایفا میکنند. حزب دمکرات با افق کور و تنگ ناسیونالیستی اش، توان و یاری رو رد رویی با این اوضاع و شرایط جدید را نخواهد داشت. این یک حکم تاریخی است و همه با چشمان باز شاهد این تحولات به نفع چپ، رادیکالیسم و انسانیت هستیم. بر بستر گسترش و نفوذ چنین شرایط رادیکال و طبقاتی است که حزب دمکرات و دیگر جریانات قومپرست باید بیش از این حاشیه ای و رسوا شوند.

۲۴ اکتبر ۲۰۰۶

از صفحه ۱

ماده هشتم قطعنامه مهباد . . .

چپهای قدیم و ناسیونالیستهای امروزی بارزانی مدافع حقوق مردم کردستان است. صلاح مهدتی که یکی از تدوین کنندگان قطعنامه ۸ ماده ای مهباد بوده است طی مصاحبه ای با هفته نامه اینترنتی "دیمانه" اعلام کرده است که بند ۸ قطعنامه پیشنهاد فواد مصطفی سلطانی بوده است. او تلاش کرده است پشیمانی و ندانم کاری خودش را رسماً اعلام کند و "گناه" این سیاست علیه قیاده موقت را به فواد مصطفی سلطانی نسبت دهد زیرا در همان مصاحبه گفته است که حزب دمکرات چند ماه بعد از تصویب آن قطعنامه رسماً اعلام کرده است که این بند را قبول ندارد. تا کنون دو نفر از "دوستداران" فواد مصطفی سلطانی به اسامی رضا مصطفی سلطانی و احمد بهرامی به مصاحبه صلاح مهدتی جواب داده اند. اما جوابها هم به همان اندازه مصاحبه صلاح مهدتی جویانه است. موضع این دو نفر هم مثل صلاح مهدتی منطبق بر سیاست نوکر سفتی آنها در بارگاه بارزانی یا همان قیاده موقت قبلی میباشد. معلوم است که دنیا تغییر کرده

است و ناسیونالیستهای نان به نرخ روز خور، مستقیم و غیر مستقیم دارند به فواد مصطفی سلطانی میگویند نباید خواهان اخراج نیروهای بارزانی میشد. همه اینها قبلاً از قطعنامه و بند ۸ آن دفاع کرده اند. اما امروز چون بارزانی در کردستان عراق در قدرت است باید در بارگاه آن سجده کنند و گفته های دیروز و یا حتی تمایل قبلی خود در نقد و افشای قیاده موقت را رد کنند. جالب این است که هیچکدام از اینها نمیگویند اگر فواد زنده بود ممکن بود چپ تر و رادیکالتر به نقد طبقاتی قیاده موقت و احزاب ناسیونالیست کرد بپردازد. همه آنها نوشته اند اگر فواد زنده بود احتمالاً طور دیگری حرف میزد. و چنان وانمود میکنند که اگر زنده بود بارزانی را به عنوان مدافع حقوق کرد برسمیت میشناخت و بند ۸ را احتمالاً پس میگرفت. جالب این است که کومه له و سازمان زحمتکش که هر دو خود را میراث دار فواد قلمداد میکنند رسماً موضع نگرفته و جویونی و اپورتونیسم خود را در این راستا میخوانند پنهان کنند. صلاح مهدتی رسماً و علناً اعلام کرده

است که از کار خود پشیمان است و اگر امروز بخواهد یک بار دیگر آن قطعنامه را تدوین کند نه تنها این بند را نمیوسد بلکه در تعریف و تمجید از قیاده موقت و یا همان بارزانی حاکم امروز کردستان عراق علیه نظراتی شبیه فواد مصطفی سلطانی خواهد بود. جسارت صلاح مهدتی از زبونی، بیخطی و بی خاصیتی و سرزیری کومه له ناشی شده است. مهدتی تلاش کرده است در بارگاه ناسیونالیستهای در قدرت کردستان عراق و بارزانی جایگاهش خدشه دار نشود. بویژه اینکه امروز این جایگاه فقط "معنوی و سیاسی" نیست، مادی است. با پول و پله و امکانات و بچاپ بچاپ هم عجین شده است. اما در این میان سخیف تر از موضع مهدتی دفاعیه هایی است که "دوستداران" فواد اعلام کرده اند. لب کلام هر دو "دفاعیه" این است که اگر سیاست غلطی در ماده ۸ آن قطعنامه تدوین شده است مقصر فقط فواد نیست بلکه همه آن جمع تدوین کننده این اشتباه را مرتکب شده اند. همه اینها قیاده موقت که متحد آن هنگام مفتی زاده و جمهوری اسلامی بود را امروز مدافع حقوق مردم کرد قلمداد میکنند و در تعریف و تمجید از قیاده موقت و یا همان بارزانی های

در قدرت امروز در کردستان عراق قلمفرسایی کرده اند. در این دعوی خانگی و دم تکان دادن در مقابل ناسیونالیستهای در قدرت، بر سازمان زحمتکش حرجی نیست و صلاح مهدتی حرف دل آنها را زده است. اما سوال این است چرا کومه له که در مورد هر مسله بی اهمیت و بی خاصیتی سایتهایش را آرایش میکند در این مورد لب بر نمی آورد؟ آیا این اتفاقی است، آیا رهبری این سازمان نمیداند تعدادی ناسیونالیست دو آتشه و نوکر صفت دارند تاریخ چپ در کردستان ایران را مورد حمله قرار میدهند؟ پیشک کومه له از همه این مسایل خبر دارد. اما تنها سیاست مماشات با ناسیونالیسم کرد، مصلحت اردوگاه داری و فاصله گرفتن از کمونیسم رادیکال و انقلابی این سکوتش را میتواند توضیح دهد. سیاستی که برای تعدادی از رهبران کومه له انگار ژنتیکی شده است. فکر نمیکنم هیچکس انتظاری از قدیم کومه له ایهای بی ادعا و بی خاصیتی که مثل برگهای خزان پائیزی فرش زیر پای ناسیونالیسم کرد شده اند انتظاری داشته باشد. اینها مثل رضا مصطفی سلطانی و احمد بهرامی دوز ضد کمونیستیشان چنان بالا است

حاضرند زیر پای رهبران ناسیونالیست کرد له شوند و نقش فواد مصطفی سلطانی را هم فقط از زاویه دفاع از "کرد" بیان کنند نه چپ و کمونیسم و کارگر. اما سکوت کومه له در قبال لجن پراکنی ناسیونالیسم کرد علیه فواد مصطفی سلطانی علیه چپ و کمونیسم در کردستان یک اسکاندال است. اینها حتی جرات نمیکند در دفاع از فواد که رهبر و سازنده اصلی کومله بوده است، دل ناسیونالیستهای کرد را از خود برنجانند. سازمانی که تا این حد بی پرنسیب که نتواند از تاریخ و چهره اصلی خودش دفاع کند معلوم است بدر هیچ کس نمیخورد. و نباید هیچکس به آن توهمی داشته باشد. فواد با هر درکی که آن زمان از کمونیسم داشت، با پراتیک انقلابی خود و رهبری یک جنبش رزمنده علیه ارتجاع اسلامی، علیه احزاب بورژوازی کرد (قیاده موقت و حزب دمکرات کردستان ایران) در دفاع از طبقه کارگر و کمونیسم شکی به خود راه ندارد. نباید اجازه داد تاریخ کمونیسم و چپ را ناسیونالیستهای دو آتشه و خجول هر دو از زاویه خود بنویسند. طبقه کارگر و کمونیستهای کردستان به این طیف رنگارنگ اجازه چنین گستاخی را نخواهند داد.

کارگران میهن ندارند. ناسیونالیسم و انتر ناسیونالیسم کارگری در تضادی آشکار و مطلق با هم قرار دارند، غیر قابل تلفیق و سازش با یکدیگرند. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوازی است که مانع خودآگاهی طبقاتی و انتر ناسیونالیستی طبقه کارگر است.

منصور حکمت

از صفحه ۱

یادداشتی درباره نوشتن . . .

جنبش کارگری ایران امروز احتیاج مبرم به درس گیری از تجارب موفق کارگری دارد. هر روز دهها اعتراض کارگری در گوشه و

کنار این کشور اتفاق می افتند که احتیاج به این دارند تا از تجارب موفق یاد بگیرند. ما هنوز منتظر نقل تجربه مبارزه کارگران شرکت

واحد، پریس، نساجی کردستان، آلومین و غیره هستیم. همین گزارش کوتاه هادی احمدی مورد استقبال وسیع فعالین کارگری قرار گرفته است و چندین سایت کارگری نیز آن را درج کرده اند.

من دو سال پیش تجربه پیشبرد مبارزهای موفق را در نشریه "کارگر کمونیست" به چاپ رساندم که همان موقع مورد استقبال فعالین کارگری زیادی قرار گرفت. نوشتن تجارب کارگری حتی اگر کوتاه و غیرحرفه‌ای

هم باشد، باید جزئی از فعالیت فعالین کارگری درگیر این مبارزات باشد. این کار میتواند مبارزات کارگری را چندین گام اساسی به جلو سوق بدهد.

۲۳ اکتبر ۲۰۰۶

گزارش کوتاهی از وضعیت کارخانه نساجی شاهو در سنندج

برگرفته از سایت شورا

هادی احمدی کارگر کارخانه شاهو سنندج

چیزهای دیگر. پس از مدتی کارخانه به بخش خصوصی واگذار شد و دوباره بحث اخراج ما پیش آمد و در اول سال ۸۴ رابطه ما با کارخانه

قراردادی استخدام نمودند. با شنیدن این مسئله ما کارگران به این وضع اعتراض کردیم و کار به شکایت به اداره کار کشیده شد. مدت ۳۰ ماه

کارخانه شاهو یکی از کارخانه های استان کردستان است که در شهر سنندج واقع شده است. این کارخانه در حدود ۲۵ تا ۲۷ سال سابقه کار دارد و ۳۵۰ نفر کارگر در آن مشغول به کار بودند. کار این کارخانه ریسندگی و رنگرزی است و تولید روزانه آن ۳۰۵ تا ۴ تن در یک روز کاری بود (۲۴ ساعت) تا اینکه به مرور زمان کمتر و کمتر و به حد صفر رسید و اکنون کارخانه در حال تعطیلی کامل میباشد. هر ساله به واسطه بازسازی و رفع نواقص ماشین الات، وامهای زیادی را میگردند اما مدیران این کارخانه بیشتر آن را در جهت امورات شخصی مصرف میکردند. زمانی که هر کارگری به سوء مدیریت اعتراض میکرد توسط کمیته انضباطی او را تحت فشار قرار میدادند و در بسیاری از موارد او را اخراج میکردند.



بیمه بیکاری گرفتیم و چون مسئله کار در محیط سخت و زیان آور پیش آمد ما توانستیم با کمک بعضی از مسئولین و مدیر عامل وقت کارخانه آقای یوسف بیگی مجدداً به سر کار برگردیم. اما این بار از ما تعهداتی گرفته شد از جمله پرداخت پول بیمه توسط خودمان و چکی به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ تومان به عنوان تسویه حساب چهاردرصد زمان باز شستگی پیش از موعد و یک سری

قطع شد و این بار ما نیز مصمم تر از گذشته پیگیر قضیه اخراجمان شدیم. ما تصمیم گرفتیم که تا پای جان این مسئله را پیگیری نماییم و اعتراضمان را شفاف تر و روشن اعلام کنیم. دو بار در تهران و در جلوی مجلس شورای اسلامی و وزارت کار تحصن نمودیم و چندین بار نیز در شهر سنندج و در جلوی اداره کار و استانداری جمع شدیم. در بسیاری از این تحصن ها خانواده

هایمان ما را همراهی کردند و بارها از طرف مامورین انتظامی و امنیتی و حتی لباس شخصی ها ما و خانواده هایمان مورد اهانت و آزار و اذیت قرار گرفتیم. بارها به ما تهمت آشوبگر زده شد و تعدادی از ما نیز مورد آزار و اذیت روحی و روانی قرار گرفتیم. با ادامه اعتراض و مبارزه خوشبختانه توانستیم در سال ۸۴ از طرف هیئت تشخیص ابقاء به کار بگیریم و این پیروزی بزرگی برای ما بود. دوباره کارفرما به رای صادره اعتراض نمود تا اینکه در تاریخ ۸/۵/۱۳۸۴ این بار از طرف هیئت حل اختلاف به نفع ما رای صادر و دوباره به سر کار باز گشتیم. در مدت اعتراض حدود ۱۰ ماه حقوق دریافت نکردیم و از لحاظ مالی بسیار در مضیقه بودیم و به همین دلیل صندوق کمکهای

ما با آن مخالفت کردیم، بحث ما این بود که بر اساس حکم هیئت حل اختلاف و ماده ۱۵۹ قانون کار به سر کار هایمان برگشته ایم. به همین دلیل دوباره اختلافات شروع شد و اکنون مدت ۶ ماه است که هیچ حقوقی را دریافت نکرده ایم.....

این خلاصه کوچکی از وضعیت و گرفتاری ما تعدادی از کارگران کارخانه نساجی شاهو در سنندج بود. ما به عنوان کسانی که سالیان زیادی متحمل زجرهای زیادی شده و اکنون در وضعیت بد مالی قرار داریم ضمن تشکر از کلیه کسانی که در طول اعتراضاتمان ما را یاری و همراهی کرده اند از کلیه کارگرانی هم که دچار چنین وضعیتی هستند تقاضا داریم که با اتحاد و همبستگی طبقاتی یکدیگر را در غلبه بر مشکلات یاری نمایند.

لازم به ذکر است که در ابتدای تعدیل، تعداد ما ۷۵ نفر بود که تعدادی از ما به مرور زمان فوت نموده و تعدادی هم از ما جدا شدند و اکنون تعداد ۲۴ نفر از این جمع همچنان بر خواستها و مطالبات بر حقمان پا فشاری کرده و در حال مبارزه هستیم.

* * *

**تلویزیون کانال جدید را
همزمان در اینترنت ببینید!**

www.pamtv.us

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰
به وقت تهران

**به ایسکرا
کمک مالی کنید**

مشخصات فنی ماهواره

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!